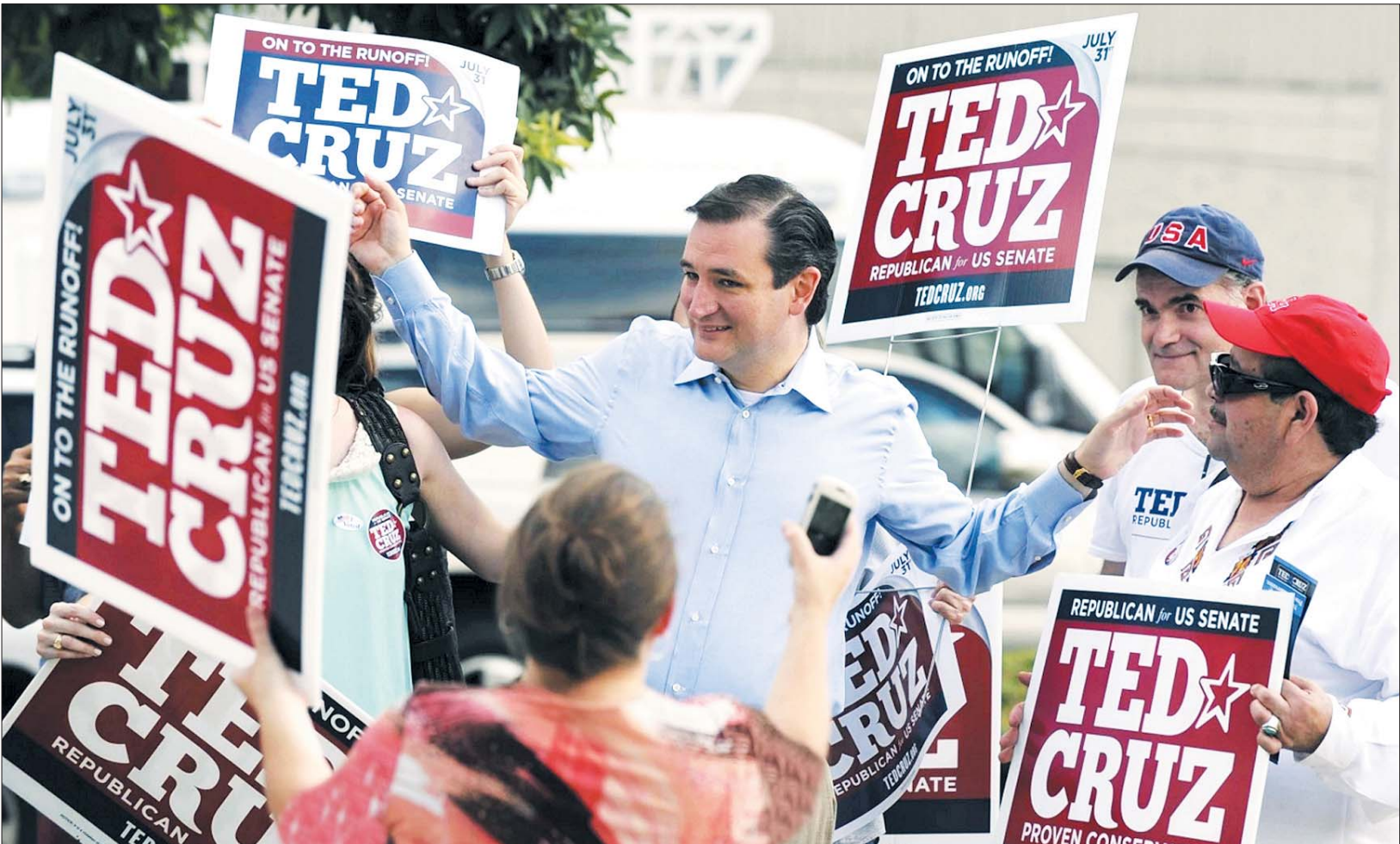




نگاهی به سیاست‌های خارجی «تد کروز»، کاندیدای جمهوری خواه ایالات متحده

یک کوبایی تبار با استراتژی آمریکایی

«تد کروز» سیاست‌مدار آمریکایی و سناتور ایالات متحده از ایالت «تگزاس» است. کروز در «هیوستون» در مقطع ابتدایی و متوسطه تحصیل کرده و در سال ۱۹۹۲ از دانشگاه «پریستون»، و سپس در ۱۹۹۵ از دانشکده حقوق «هاروارد» فارغ‌التحصیل شده است. بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳، او دستیار قائممقام دادستان کل ایالات متحده در وزارت دادگستری و مشاور سیاست داخلی «جورج دابلیو بوش» رئیس جمهوری ایالات متحده در کمپین سال ۲۰۰۰ میلادی بود.

کروز همچنین نامزد حزب جمهوری خواه برای جانشینی کرسی دیگر سناتور جمهوری خواه «کی بیلی هاجیسن» بود. در ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۲ او در انتخابات مقدماتی حزبی، معاون فرماندار «دیوید دوهرست» را ۵۷ به ۴۳ و در انتخابات اصلی کروز نماینده سابق مجلس ایالت، «پال سدلر» را ۵۶ به ۴۱ درصد شکست داد. او نخستین میسپنیک آمریکایی برگزیده‌شده به عنوان سناتور از تگزاس و یکی از سه سناتور کوبایی‌تبار است.

سناتور کروز رسماً در ۲۳ مارس ۲۰۱۵، کاندیداتوری خود را برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده اعلام کرد. او بیشتر در میان محافظه‌کاران اجتماعی هوادار دارد و همواره با جنبش «تی‌پارتی» شناخته می‌شود و در دوره نخست انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری، او نخستین هیسپنیکی شد که انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری «آیووا» را برد.

کروز به‌شدت مخالف سقط‌جنین است و «تنها وقتی اجازه چنین کاری را می‌دهد که حاملگی جان مادر را به خطر بیندازد». او معتقد است ازدواج باید از نظر قانونی «بین یک مرد و یک زن تعریف شود»، اما معتقد است که قانونی‌بودن ازدواج همجنس‌گرایان باید به ایالات واگذار شود تا درباره آن تصمیم‌گیری کنند. در سیاست داخلی، کروز هوادار انتخاب مدرسه است و با استاندار‌های آموزشی «گامن کر» مخالف است. او همچنین مخالف سرسخت لایحه حفاظت از بیمار و مراقبت مقرون‌به‌صرفه (با ایوبامکر) است. او از طرح‌های قانونی‌ای حمایت کرده که این قانون اصلاح مراقبت بهداشتی را ملغی می‌کند؛ به علاوه کروز از حامیان حق نگهداری و حمل سلاح است؛ او در سال ۲۰۱۳ به همراه سناتورهای دیگر در بنیادهای تهدید کرد در تصویب هر قانونی که دربرگیرنده کنترل اسلحه باشد، اختلال ایجاد می‌کند. کروز در مسائل مهاجرتی در جریان بحران مرزی ۲۰۱۴ موضعی سرسخت اتخاذ کرد و از مخالفان اصلاح جامع مهاجرتی است.

در سیاست خارجی، کروز خود را جایی بین انزوآگرایی «رند پال» و مداخله‌گرایی فعال «جان مکنی» توصیف می‌کند. کروز از مخالفان سرسخت برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در نتیجه مذاکره گروه ۵+۱ با ایران به دست آمده است و آن را «فاجعه‌بار» و «مخرب» می‌داند. او همچنین ازجمله مخالفان نزدیکی آمریکا به کوباست. در سال ۲۰۱۳، کروز درباره سیاست خارجی واشنگتن گفت که آمریکا هیچ نصیبی از جنگیدن در جنگ داخلی سوریه نمی‌برد و اینکه نیروهای آمریکا نباید به عنوان نیروی هوایی القاعده عمل کنند. در سال ۲۰۱۴، کروز از سیاست‌های دولت باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا، انتقاد کرد و گفت: «نیم سیاست خارجی رئیس‌جمهوری، تهدید داعش را کاملاً نادیده گرفت و در تلاش برای کمک به شورشیان سوری است که در کنار داعش می‌جنگند؛ او داعش را «چهره شر» می‌خواند؛ به‌طورکل، تد کروز از منتقدان سرسخت دولت اوباما و متحدانش به شمار می‌آید و از مدت‌ها قبل تیغ بُرنده انتقاد خود را به‌سوی نامزدهای احتمالی انتخابات از حزب «دموکرات» ازجمله «ایلازی کلینتون» نشانه رفته و او را تبلور فساد در واشنگتن می‌داند. در کنار تمامی این مخالفت‌ها، او از سیاست‌های رقبای درون حزبی‌اش نیز دل خوشی ندارد.

تد کروز برای پیروزی در انتخابات درون‌گروهی توانسته دل سخت اوانجلیکاها و رهبران تندروی مسیحی را نرم کند. او در هفته اول ژانویه با ۳۰۰ نفر از رهبران مسیحی در تگزاس دیدار کرد. دیدار حساسی که گفته می‌شود به کسب کمک‌های مالی نه‌گفتنی، منجر شد. در آمریکا یکی از رموز موفقیت هر نامزدی دیدار کمک‌های مالی بیشتر است. اگر قرار باشد در آمریکا سرخشی از نامزد نهایی پیدا کنیم، چندین نشانه وجود دارد. یکی پیروزی نامزد مذکور در دو ایالت «نیوهمپشایر» و «آیووا» و دیگری جذب کمک‌های مالی برای کمپین‌های تبلیغاتی. براین‌اساس دیدار اول ماه ژانویه با رهبران مسیحی اوانجلیکاها که نفوذ فراوانی هم در جنبش تی‌پارتی دارند، به کروز برای پیروزی در انتخابات درون حزبی ایالت آیووا کمک فراوانی کرد. شاید به‌همین‌دلیل است که با اوج‌گرفتن تد کروز در نظرمسئجی‌ها، «دونالد ترامپ» قیپ اصلی درون حزبی او، احساس خطر کرده و رگ و ریشه کوبایی کروز را به مردم آمریکا، به‌ویژه جمهوری‌خواهان گوشزد کند. او به مردم آمریکا گفت: «تأنجبایی که سواد من قد می‌دهد، اوانجلیکاهای زیادی از کوبا بیرون نمی‌آیند». او در آیووا با صدای بلند دومرتبه این جمله را گفت و در آخر نیز به همان شیوه تأکید کرد: «این موضوع را به‌خاطر بسپارید. حتماً این موضوع را به‌خاطر بسپارید. در هنگام رای‌دادن فراموش نکنید که قرار است چه کار بزرگی انجام دهید». اما برگ

مذهب، یک عامل تأثیرگذار برای جمهوری‌خواهان به‌حساب می‌آید و تد کروز نشان داده که راه استفاده از این برگ برنده را بلد است و برای همین محبوبیت او در بین اعضای تی‌پارتی بیش از غول املاک و مستغلات ایالات متحده است. در آخرین مناظره پیش از انتخابات مقدماتی در ایالت نیوهمپشایر، مجادله تندوتیزی بین او و «مارکو ربیو» دیگر نامزد جمهوری خواه، درباره سیاست‌های آمریکا در قبال دیکتاتورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در گرفت. در جایی که رویبو از سیاست‌های آمریکا برای تغییر رژیم در عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی و لیبی در سال ۲۰۱۱ حمایت می‌کرد، کروز بر این باور بود که باید دیکتاتورهای ضداسلام را به حال خود رها کرد. او گفت: «ما باید از تاریخ درس بگیریم. اگر «بنشار اسد» رئیس‌جمهوری سوریه را سرنگون کنیم نتیجه آن خواهد بود که «داعش» تمام سوریه را در دست می‌گیرد و این بدترین سناریو برای منافع امنیت ملی ماست و… به‌جای ادامه‌دادن مسیر دموکراسی «دوورو ویلسون» ما باید دشمنانمان را حذف کنیم و به‌جای ایجاد فضایی برای داعش که کشوری جدید را برای خود تأسیس کند، ما باید این گروه تروریستی را حذف کنیم». این مجادله حتی زمانی که پای سیاست خارجی جمهوری‌خواهان به میان کشیده شد نیز پایان نیافت.

چنین سخنانی می‌تواند فرصت را در اختیار تندروهای جمهوری خواه قرار دهد تا اصالت حزب را با سیاست خارجی تغییر رژیم حفظ کنند اما نتایج نظرسنجی‌ها نشان داد همیشه این مورد نمی‌تواند صادق باشد. تد کروز همواره در سخنرانی‌های خود گفته است نخستین راهبرد او در سیاست خارجی به همین منوالی است که در مناظره به تشریح آن پرداخته است.

 	 	 	 	 	
طرح کروز برای شکست داعش چندان با استراتژی دولت اوباما یعنی همان استفاده از حملات هوایی علیه این گروه تروریستی فرق نمی‌کند؛ سیاستی که همچنان ادامه دارد. بنابراین این گروه تروریست که کروز در حالی سیاست‌های رویبو را به چالش می‌کشد که خودش برنامه عملی قاطعی در سر ندارد، اینجاست که مشخص می‌شود دکتترین سیاست خارجی کروز پراشتباه‌تر از دیگران است					

در حقیقت این برای نخستین‌بار نبود که کروز دیدگاهش را در مورد استراتژی «نخست آمریکا» مطرح می‌کرد؛ او در سخنرانی خود در دسامبر سال گذشته در نییاد «هریتیج»، برای نخستین‌بار از برنامه سیاست خارجی خود پرده برداشت؛ سخنرانی‌ای که تصویری کامل از استراتژی جهانی او ارائه می‌کرد. برخلاف سیاست داخلی، این‌طور به نظر می‌رسد که سیاست خارجی تد کروز برگرفته از اصل سنت است و تنها نشان می‌دهد که از تاریخ دردسرساز و پرحاشیه آمریکا نشئت گرفته است. پس می‌توان گفت که اینکه سخنان کروز باتأبادهنده تفکرات «چین کرکپاتیک» است، اصلاً تصادفی نیست؛ استاد دانشگاه «چرچ‌تاون» در دهه ۷۰ میلادی که قبل از مرگ در انستیتی پژوهشی آمریکایی «اینترپرایز»‌کار می‌کرد. جین کرکپاتیک در ابتدا یک دموکرات بود، اما سپس به حزب جمهوری خواه پیوست. او نخستین زن آمریکایی بود که به‌عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد منصوب شد و مدال آزادی را دریافت کرد. نوشته‌ها و کارهای کرکپاتیک در کانون تدوین سیاست‌های جنگ سرد قرار داشت. از جمله آثار کرکپاتیک کتاب «زن سیاسی» بود. جین کرکپاتیک می‌گوید: «چالش‌ها در زمان خود برای رونالد ریگان و جین کرکپاتیک می‌کند. کرکپاتیک جزء هئاتی بود که در دهه ۷۰ مامور شده بود راهکاری برای تضعیف اتحاد جماهیر شوروی پیدا کند. اما سمت‌های مهم او باعث نشده که تد کروز به کرکپاتیک علاقه‌مند شود. او در سال ۱۹۷۹ یادداشتی با عنوان «دیکتاتوری و استانداردهای دوگانه» نوشت و از سیاست‌های «جیمی کارتر»، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، انتقاد کرد. او در این مقاله نوشته بود: «آمریکا به‌جای اینکه به این فکر کند که چه‌چیزی خوب است، چه‌چیزی بد، باید سیاست خارجی خود را روی متحدان قابل‌اتکا استوار کند. روی سخن او به کارتر بازمی‌گشت و از کارتر خواسته بود تا از شاه ایران و «اتاساسیو سوموزا گارسیا» از نیکاراگوئه بیشتر حمایت کند، زیرا این دو با وجود دیکتاتوربودنشان، متحد قابل‌اتکایی برای ایالات‌متحده به حساب می‌آمدند».

کرکپاتیک که اساساً یک تئوریسین ضدکمونیسم به حساب می‌آمد بر این باور بود که دیکتاتوری‌هایی مانند گارسیا در آمریکای لاتین و مرکزی منابع نفوذ کمونیسم پشت مژهای آمریکا خواهد شد. بنابراین سه دلیل وجود

دارد که تد کروز دنباله‌رو کرکپاتیک است: نخست اینکه او منتقدترین مشاور سیاست خارجی «رونالد ریگان»، رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا، به حساب می‌آید و حامی دیکتاتورهای ضدکمونیسم آمریکای‌لاتین بوده است، دوره‌ای که جمهوری‌خواهان آمریکایی هنوز به آن افتخار می‌کنند. دوم اینکه او منتقد جیمی کارتر دموکرات بوده است و همواره «باراک اوباما»، نخستین رئیس‌جمهور رنگین‌پوست آمریکا را در سیاست خارجی با کارتر مقایسه می‌کند. پس از این طریق او می‌تواند خود را منتقد سیاست خارجی باراک اوباما نشان دهد. سوم اینکه، تد کروز اعتقاد دارد کرکپاتیک یک واقع‌گراست و او بود که توانست در بحروجه جنگ سرد آمریکا را از مهلکه خطرهای گوناگونی که بر سر راهش بود، دور کند. پس کروز به‌دنبال ارائه چنین تصویری از خود است: «من باسواد هستم، وارث سرسخت رونالد ریگان و جهان را از این زاویه می‌بینم».

کروز، رونالد ریگان نیست

اما بسیاری بر این باورند که کروز مقاله دیکتاتوری و استانداردهای دوگانه کرکپاتیک را به‌درستی متوجه نشده است. اگر با دقت سیاست‌های او را دنبال کنید، متوجه می‌شوید که استراتژی کروز در خاورمیانه بسیار شبیه باراک اوباماست. برای رسیدن به این نتیجه فقط کافی است که نگاهی به سخنرانی‌های او ببیندازیم. برخلاف آنکه تد کروز می‌گوید، «نقش آمریکا در صحنه جهانی در حال فروکش کردن است» یا تحت دولت اوباما «به طور فزاینده واشنگتن درگیر مسائل بی‌ربط می‌شود و بنابراین ایالات متحده به‌جای شکست داعش باید در گیر سیاست بمب اینجا و موشک آنجا شود»؛ در عرصه حقیقی، او هیچ برنامه خشن‌تری برای نابودی داعش ندارد.

طرح کروز برای شکست داعش چندان با استراتژی دولت اوباما یعنی همان استفاده از حملات هوایی علیه این گروه تروریستی فرق نمی‌کند؛ سیاستی که همچنان ادامه دارد. بنابراین می‌توان گفت که کروز در حالی سیاست‌های رویبو را به چالش می‌کشد که خودش برنامه عملی قاطعی در سر ندارد. او می‌گوید: «ما باید از ارتش اردن و مصر نیز استفاده کنیم و هرآنچه که لازم است برای شکست داعش انجام دهیم». اما دقیقاً پس از این سخنان، حمله زمینی را نفی می‌کند. با چنین رویکردی می‌توان گفت که اگر کروز بخواهد سیاستی مابین سیاست رویبو و «راند پال» را در میان جمهوری‌خواهان ارائه کند؛ باید دکتترین منسجم‌تری را به نمایش بگذارد. اینجاست که مشخص می‌شود دکتترین سیاست خارجی کروز عمیق‌تر و پراشتباه‌تر از دیگران است. همچنین اشتباه است که بگوییم استراتژی کروز با سیاست‌های اوباما متفاوت است. کروز می‌گوید: «چالش‌ها در زمان خود برای رونالد ریگان و جین کرکپاتیک وحشت‌ناک بودند؛ اما در درجه نخست، تهدید اتحاد جماهیر شوروی بود؛ تهدیدی که تمامی آمریکایی‌ها احساس می‌کردند. این تهدید از طرف تقریباً تمامی روزنامه‌های رسمی، دانشگاهیان و اهالی رسانه مطرح می‌شد اما با تمرکز، عزم و اراده جدی و اعتقاد راسخ در میان ملت استثنایی ما، رئیس‌جمهور ریگان، پیروز جنگ سرد بود. امروز نیز دوباره با چالش زمان خود روبرو هستیم؛ هم در خانه و هم در خارج از مرزها ما دوباره با دشمن متفاوتی مواجهیم که تنها هدفش چیزی نیست جز نابودی زندگی روزمره تمامی ما و بار دیگر تمامی شهروندان ما در وحشت هستند که نتوانیم دشمن را شکست دهیم». او ادامه می‌دهد که اما آمریکایی‌ها تنها به لحظه‌ای از آگاهی و روشنی نیازمندند؛ دشمن ما «اسلام افراطی» است و باید این دشمن می‌تواند و شکست بخورد.

در حقیقت این همان مسئله‌ای است که هم منتقدان کروز و هم حامیان اوباما بر سَر آن متفق‌القولند: اوباما اولویت سیاست خارجی خود را مسئله تروریسم افراطی می‌داند، اما سرمایه سیاسی و منابع سیاست خود را خود را بر اولویت‌های دیگرش متمرکز کرده است؛ بازسازی اقتصاد آمریکا، ایجاد توازن در حاشیه آسیاپاسیفیک، تقویت معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (از جمله توافق هسته‌ای با ایران) و تضمین همکاری چندجانبه برای اجرای توافق تاریخی تغییرات اقلیمی پاریس.

سیاست اوباما در خاورمیانه آشفته است؛ منتقدان می‌توانند و باید از اوباما در این زمینه انتقاد کنند اما نباید انکار کنند که این استراتژی یکپارچه است؛ همین انتقادی که به سیاست‌های کروز هم وارد می‌شود. او نیز در حقیقت بر این باور است که تهدید تروریسم افراطی با تهدید شوروی در زمان جنگ سرد برابر است. این باور درست باشد یا نباشد، این پرسش مطرح می‌شود که اگر ما عده‌های کروز را ببینیم، راحل او برای دربرگیری و حذف این تهدید چیست؟ و او در پاسخ خواهد گفت واژه «اسلام افراطی» با کنترل سخت‌تر مسئله مهاجرت، بمب کمتر و حمایت همه‌جانبه از «نززال عبدالفتاح السیسی»، رئیس‌جمهوری مصر که اکنون بسیار تضعیف شده گره خورده است. پس به زبان ساده باید گفت که سیاست خاورمیانه دولت اوباما با این فکر تلفیق شده که منابع و توجه آمریکا بهتر است بر مسائل دیگری متمرکز شود. کروز معتقد است که تروریسم افراطی بزرگ‌ترین تهدید علیه ایالات متحده امریکاست، اما تاکنون چیزی به زبان نیاورده است که از آرزوهای اوباما فراتر باشد.

مترجم: نفیسه کریمی

یک مفهوم

کردستان سوریه در بازی دوا بر قدرت

نیروهای کُرد سوری در آستانه فتح آخرین گذرگاههایی هستند که راه حیاتی موجودیت داعش و گروه‌های تکفیری دیگر در سوریه و عراق است. بعد از تصرف «اعزاز» و کنترل فرودگاه استراتژیک «منغ» در منطقه اعزاز توسط نیروهای کرد «اتحاد دموکراتیک» (PYD) جنگ ترکیه برای موفق نشدن کردها در کنترل «جرابلس» و شهرک‌های اطراف آن آغاز شده و ارتش و توپخانه‌های ترک در حال بمباران مواضع نیروهای کرد هستند. اما به نظر می‌رسد دلایل وحشت ترکیه از پیشروی‌های نیروهای کرد به عوامل زیر بستگی دارد:

نخست، قطع این گذرگاه مرزی به‌منزله پایان یافتن و بریده‌شدن محورهای کمک به تندروی در سوریه و عراق خواهد شد. دوم، فاصله نزدیک به ۶۰ کیلومتری بین کانتون «کوبانی» و کانتون «عفرین» در صورت آزادسازی توسط نیروهای کرد و وصل سه کانتون کردها در شمال سوریه موقعیت خودمختاری را برای آنها فراهم خواهد کرد که این مورد پسند ترکیه نیست. سوم، با وصل‌شدن این سه نقطه، کردها به دریا نزدیک می‌شوند و از لحاظ استراتژیک موقعیت مهمی یافته و در کنترل و فروش نفت دست‌بالا را پیدا می‌کنند. چهارم، موفقیت نیروهای کرد و تصرف گذرگاه‌های مرزی به مفهوم پیروزی حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) به عنوان حزب مادر نیروهای کرد سوری در جنگ با ارتش ترکیه خواهد بود. پنجم، شکست ترکیه در این جبهه به‌منزله شکست در جبهه جنگ داخلی و ناآرامی‌های اخیر این کشور است و آرام‌آرام ناچار است در مقابل خواست کنفدرالیسم دموکراتیک حزب «دموکراتیک خلق‌ها» و حزب «کارگران کردستان» قد خم کند.

اما در اینجا نقش دو ابر قدرت آمریکا و روسیه در معادلات سوریه و همکاری با نیروهای کرد حائز اهمیت است. از سویی روسیه با حرکت ناوگان هوایی خود و پشتیبانی مستقیم از نیروهای کرد به صورت مستقیم وارد کارزار شده است و از سوی دیگر، آمریکا با فرستادن ادوات و مهمات نظامی برای یگان‌های مدافع خلق (PYD) سعی دارد، این نیروها را برای خود نگه دارد.

هر دو قدرت می‌دانند، تنها نیرویی که علاوه بر خصوصیت نظامی از توان فکری و ایدئولوژیکی کارآمدی برای شکست خط تندروی در منطقه برخوردار است، نیروهای کرد هستند که توانستاند در مدت اخیر نقاط بسیاری از خاک شمال سوریه را آزادسازی کنند. به‌همین‌خاطر آمریکایی‌ها با ایجاد پایگاه هوایی و نظامی در فرودگاه «قامشلو» در کردستان سوریه راهبرده عملیاتی خود را به صورتی مشخص کرده و روس‌ها با حمایت هوایی و لجستیکی و خاک سوریه از کردهای این کشور و گشایش دفاتر دیپلماتیک آنها در مسکو سعی دارند به‌عنوان بازیگری مؤثر با آنها رفتار کنند.

وصل سه کانتون (روژاوا) در کردستان سوریه به‌منزله پایان هیمنه داعش در سوریه و به‌تبع‌آن شکست خط تروریسم در عراق خواهد بود. این در صورتی ممکن است که همه منافع زیست داعش از بین برود. وصل نقاط کردنشین سوریه برای گروه‌هایی که حامی تروریسم هستند گران تمام شده و با اعزام جنگنده‌های خود به پایگاه «اینجرلیک» ترکیه به بهانه مبارزه با داعش، سعی در قدرت‌نمایی و جنگ روانی در منطقه دارند که البته با توجه به معادلات میدانی و جنگ زمینی این واقعیت مستتر است که نیروهای کرد توانستاند از کمند جنگ روانی خارج شده و به پیشروی‌های خود ادامه دهند و همین توان جنگندگی بالاست که دو ابر قدرت را ملزم به نادهیدن‌گرفتن این نیروها کرده است.

نگاه

درهای مساجد را باز کنید

به درخواست شورای اسلامی بریتانیا که صدها مسجد و مرکز و مؤسسه اسلامی را در این کشور زیر نظر دارد، حدود ۸۰ مسجد درهائشان را به روی غیرمسلمانان باز کردند تا به این وسیله با پدیده اسلام‌هراسی مقابله کنند. این اقدام براساس طرحی سالانه برای مقابله با برداشت‌های نادرست درباره اسلام صورت گرفت. در این طرح مساجد سعی کردند اطلاعاتی فراتر از آنچه برخی رسانه‌های مغرض درباره اسلام بیان می‌کنند، به بازدیدکنندگان ارائه کنند. این اقدام در حالی صورت گرفت که اسلام‌هراسی و حملات علیه مسلمانان در انگلیس رو به افزایش است، مسلمانان فقط پنج درصد جمعیت انگلیس را شامل می‌شوند؛ هدف از این اقدام این است که روابط مسلمانان با دیگر گروه‌های جامعه تقویت شود. برخی از سالن‌های مساجد به نمایشگاه‌های هنری تبدیل شده و کودکان در آنجا اقدام به خواندن سرودهایی در وصف عشق و صلح کردند. جوانان نیز به بازدیدکنندگان با رهگذاران گل هدیه دادند و نقاشی و رنگ‌آمیزی کودکان نیز جزء برنامه‌های‌شان بود. بسیاری از بازدیدکنندگان فرزندانشان را هم برای دیدن آثار تمدن اسلامی با خود آورده بودند و از نمایش‌های هنری لذت می‌بردند و در آخر نیز برای مثال نامشان را به خط عربی می‌نوشتند. خبرنگار «الجزیره» یک روز کامل را در این مساجد و مراکز اسلامی سیری کرد. مسجد «وینزبری پارک» در منطقه «ایزلیتون» در وسط لندن یکی از آنها بود که شاهد دیدار «جرمی کوربین»، رهبر حزب «کارگر» بریتانیا و «ایزلیکتون ریچارد واج»، شهردار این منطقه بود. آنها هر دو این روز و بازشدن درهای مساجد را تحسین کردند.

یک گام مثبت

جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر گفت در این روز برای مساجد اتفاق بزرگی افتاده است؛ این قبیل کارها که به همت انجمن‌های اسلامی و مساجد شکل می‌گیرد، نشان‌دهنده صداقت بالای مسلمانان و وابستگی عمیق‌شان به جامعه انگلستان است. کوربین اضافه کرد: به عنوان یک نماینده پارلمان احساس می‌کند مسلمانان این منطقه بخشی اساسی از جامعه هستند. او تأکید کرد اسلام‌هراسی و نژادپرستی هر دو اشتباه است. کوربین از سیاست‌های دولت در قبال مسلمانان نیز انتقاد کرد. او گفت، حامی تمام جوامع و ادیان است، چراکه آنها می‌توانند در کنار هم زندگی کنند. بازکردن درهای مساجد این فرصت را به همه ادیان دیگر می‌دهد تا برای شناخت فرهنگ اسلامی به اینجا بیایند. خط عربی نیز مورد توجه رهبر حزب کارگر قرار گرفت. او دید عده‌ای دور تا دور یک میز ایستاده و منتظر هستند تا نوبت‌شان برسد و بتوانند نام‌شان را به خط عربی بنویسند. او نیز درخواست کرد نام خود و همسرش را به خط عربی بنویسند تا به عنوان یادگاری با خود ببرد. رهبر جناحی حزب کارگر بریتانیا معتقد است در سراسر اروپا، تحمل‌نکردن دیگران و اسلام‌هراسی، یهودی‌ستیزی و نژادپرستی افراط‌گرایانه رو به افزایش است. او گفت: هیچ یک از این گرایش‌ها نمی‌توانند آینده‌ای امیدبخش را ترسیم کنند؛ کاری که امیدبخش است، کاری است که اکنون این مساجد در سراسر انگلیس انجام می‌دهند؛ اینکه درهای خود را باز کرده‌اند و همه را دعوت می‌کنند تا مسلمانان را بهتر بشناسند. شهردار نیز با ابراز خوشحالی از این ابتکار عمل گفت: «فکر بازکردن دَر مساجد خیلی عالی است؛ زیرا به همه فرهنگ‌ها و ادیان فرصت می‌دهد تا از نزدیک با فعالیت‌های اسلامی آشنا شوند. این امر نشان‌دهنده روح صلح‌دوستی و عشق واقعی در اسلام است و موجب نزدیک‌شدن دل‌های مردم به یکدیگر خواهد شد.



احساسات مثبت

«ایوونا» که یک زن مسیحی بازدیدکننده بود، گفت او یک کاتولیک است و تاکنون به مسجدی نرفته است. او می‌گوید در رسانه‌ها حرف‌های زیادی را شنیده که به مسلمانان نسبت داده می‌شود و حالا آمده است تا واقعیت این امر را با چشم خود مشاهده کند، اما آنها نیز به‌بند برعکس آنه‌است. به گفته او، مسلمانان به نظر او مردمانی مهربان و دوست‌داشتنی هستند. ایوونا ادامه می‌دهد: «مسلمانان جامعه بازی دارند و آن‌طور که ما درباره‌شان می‌شنویم افراطی نیستند». او می‌گوید دخترش را هم با خود آورده است تا از کشیدن نقاشی‌های عربی لذت ببرد. «رولی هیرس» یک انگلیسی‌سیان سال دیگر است که از راه دوری به همراه همسرش آمده است. فکر بازکردن درهای مساجد برای او جذاب بوده است. او می‌گوید افراد اندکی از انگلیسی‌ها به دلیل رسانه‌ها تصور غلطی از مسلمانان پیدا کرده‌اند و از مسلمانان می‌خواهد با تماس بیشتر با جامعه و شناساندن خودشان، این‌گونه افکار را تصحیح کنند. هیرس می‌گوید خودش احساسات مثبتی به مسلمانان دارد؛ چون اکثر همسایگان و دوستانش مسلمان هستند و یادآور می‌شود در جریان سیل‌های اخیر بریتانیا، خیلی از مسلمانان داوطلب کمک‌رسانی شده بودند.

شناساندن اسلام

«بلقاسم کلش»، معاون دبیرکل مساجد و مرکز اسلامی لندن می‌گوید این ابتکار عمل برای تصحیح چهره اسلام و مسلمانان در غرب بوده است؛ زیرا رسانه‌ها پیوسته مساجد را به صورت جایی مشکوک به تصویر می‌کشند که گویی مسلمانان در آنها دست به کارهای وحشتناک می‌زنند. به نظر او، چنین روزهایی برای معرفی اسلام ضروری است. مساجد نیز نشان خدا هستند و جایگاهی مثل کلیسا دارند؛ چنان‌که مسلمانان در برابر جامعه‌شان رویی گشاده دارند. «محمد کریز»، رئیس شورای اداری مسجد «وینزبری پارک» نیز می‌گوید مساجد متهم به تروریسم شده‌اند، اما امروز بازدیدکنندگان عکس آن را مشاهده می‌کنند؛ مساجد نقش مهمی در نزدیکی و گفت‌وگوی بین تمدن‌ها دارند و در مجموع جوانان را از افراط‌گرایی دور می‌کنند.

منبع: الجزیره